

لمعاتی از لیاقت

شهید آیه الله سید حسن مدرس در زمره نامورانی است که نسبش به حضرت امام حسن مجتبی (ع) می رسد. دوران صباوت وی در محیط کویری زواره و روستای کوچک سرابه (واقع در شرق اردستان و جنوب زواره) سپری گشت، جد و پدرش که از اهل فضل بودند و در محل به پارسایی و نیکوکاری شهرت داشتند به تربیت این طفل مبادرت ورزیدند. دوران نوجوانی و جوانی این شخصیت در قمشه، اصفهان و نجف در جهت کسب دانش دین و معارف اسلامی و تحصیل مکارم سپری گشت. در سنین جوانی به مقام رفیع اجتهاد رسید و از لحاظ علمی و فقهی شخصیتی نمونه و برجسته و مجتهدی جامع الشرایط، صاحب فتوا و شایسته تقلید بود. هر چند حاضر به طبع و نشر رساله عملیه خود نشد ولی در علوم اسلامی خصوصاً فقه و اصول آثاری عمیق از خویش برجای نهاد.

در واقع آن شهید والامقام تا سن چهل و یک سالگی در حوزه های علمیه به کسب معرفت و تهذیب نفس و نشر حقایق اسلامی مشغول بود و مشخص می گردد که شخصیت ممتازی بوده که در بین آن همه علمای آن عصر به عنوان طراز اول انتخاب می شود. تفسیر این انتخاب آن بود که به موجب فصل دوم از متمم قانون اساسی رسماً مقرر شده بود که برای نظارت بر عدم مغایرت قوانین مصوبه مجلس با موازین شرع پنج مجتهد عادل و آگاه به مقتضیات عصر به عنوان وکیل در مجلس حضور یابند. (۱) علمای ایران و نجف تصمیم می گیرند تا از بین خود بیست نفر را برگزیده و طی جلسات بعدی پنج نفر آنان را به عنوان طراز اول به مجلس معرفی کنند عده ای مرکب از ۶۸ نفر در جلسه های متعدد با هم وارد شور شده و پس از رای گیری بیست نفر را برای مرحله دوم انتخاب کردند. از میان این تعداد، پنج نفر تعیین شدند که به عنوان علمای طراز اول در دوره دوم مجلس حضور یابند که یکی از آنان آیه الله مدرس بود. (۲) پس از این انتخاب تلگراف زیر از طرف مجلس خطاب به مدرس مخابره شد تا در جلسات حضور یابد:

اصفهان. به توسط انجمن محترم ولایتی خدمت جناب مستطاب ملاذالانام آقامیرزا سید حسن مدرس سلمه الله از جمله منتخبین علمای عظام در مجلس شورای ملی وجود محترم آن جناب

مستطاب عالی است ان شاء الله عاجلا حرکت فرموده به تهران تشریف بیاورید که عموم ملت از سعادت حضور حضرت عالی بهره مند گردند . (3)

امام خمینی در این باره می فرمایند: «... مرحوم مدرس (رحمه الله) - خوب - من ایشان را هم دیده بودم، این هم یکی از اشخاصی بود که در مقابل ظلم ایستاد... ایشان را به عنوان طراز اول، علما فرستادند به تهران و ایشان با گاری آمد تهران. از قراری که آدم موثقی نقل می کرد، ایشان یک گاری آنجا خریده بود... تا آمد به تهران...» (4)

بدین گونه علمای دین که از ویژگی های فکری و علمی مدرس آگاهی داشتند و او را بهترین فردی که با جان و دل از اسلام دفاع نماید و روشن بین و با دقت باشد، یافته بودند او را به مجلس شورا فرستادند تا بر قوانین نظارت کند و آنها را با فقه شیعه و موازین دینی مطابقت دهد و اگر خواست قانونی مخالف امور شرعی تصویب گردد مخالفت کند .

در هر حال اسباب مهاجرت مدرس فراهم گشت و با همان گاری بارکشی که برای جلوگیری از سرمای سخت فصل زمستان سرپوش پارچه ای بر روی آن کشیده بودند از اصفهان به قصد تهران حرکت نمود سرانجام این کاروان کوچک اما با هدفی بزرگ پس از تحمل سختی و مشقت بسیار به حرم حضرت عبدالعظیم وارد شد و در کوچه باغ سراج الملک خانه ای برای سکونت اجاره نمود . مردم که از ورود مدرس مطلع شدند وی را به تهران انتقال دادند و آنجا هم شهید مدرس منزل محقری را برای خود در نظر گرفت که اجاره بهای نازلی برایش پرداخت می نمود . (5)

این شخصیت که از اصفهان فرا خوانده شد تا مسئولیت خویش را در سنگر مجلس به انجام برساند ویژگی هایی دارد که اشاره به آنها حقایقی را روشن می سازد .

شهید مدرس علاوه بر آن که منسوب به خاندان عصمت و طهارت است در زندگی و فضایل اخلاقی نیز وارث راستین آن ستارگان درخشان آسمان امامت بود . او در مسیر زندگی خویش ساده زیستی و قناعت را پی گرفت . فروتنی او و کار و تلاش برای معاش همچون ساده ترین کارگران درسی بود که مدرس از مکتب مولایش حضرت علی آموخت و این شیوه را در تمام مراحل عمر خویش ادامه داد .

در دوران جوانی برای تامین مایحتاج خود به کار یدی می پرداخت و در طول اقامت در نجف چنین ویژگی را ادامه داد در حالی که برایش این امکان وجود داشت که از وجوه شرعی بتواند استفاده کند ولی برای حفظ استقلال و این که ارتباطش با فعالیت های مزبور قطع نشود چنین روشی را انتخاب می کند او می خواهد با چنین کارهایی هم خود را از تعلقات آزاد کند و هم با مردم عادی دمساز و نزدیک باشد . چون برای شرکت در مجلس دوم وارد تهران شد دو منزل اجاره ای به وی پیشنهاد گردید که یکی از آنها یک تومان از دیگری ارزان تر بود . او بدون آن که از ویژگی های آن دو خانه سؤال کند منزل نازلتر را انتخاب کرد .

هیچ اموری از مسایل دنیوی نتوانست مدرس را در راه هدف عالی خویش بازدارد . دلش به نور

ایمان و معنویت روشن شده بود و از این جهت مقاصد پست و لذایذ فناپذیر قادر نبود با ظلمت خود آن فروغ معنوی را خاموش کند . پاک‌ی، درستی و عدم آلودگی‌ش موجب آن گردید تا آزادانه در مسایل کشور و جهان اسلام موضع‌گیری کند، در برابر طاغوت‌ها و قدرتمندان بایستد و از موضع حق و مصالح کشور و دیانت دفاع کند . امام خمینی پس از وصف قدرت روحی و شجاعت مدرس افزوده‌اند:

«... (مدرس) یک آدمی بود که نه به مقام اعتنا می‌کرد و نه به دارایی و امثال ذلک، هیچ اعتنا نمی‌کرد . نه مقامی او را جذبش می‌کرد ...» (6)

در تاریخ علمای شیعه شخصیت‌هایی که در برابر متجاوزین مبارزه می‌کردند کم نمی‌باشند اما کسی را در میان آنها سراغ نداریم که تا زمان روی کارآمدن مدرس در زمینه سازندگی و مدیریت سیاسی - اجتماعی از خود تجربه سازنده و ارزنده‌ای را بروز دهد . این دانشمند جهان‌تشیع برای نخستین بار در تاریخ روحانیت با اعمال و رفتار و اندیشه‌های مدبرانه خود نشان داد که یک روحانی لایق آگاه می‌تواند در مدیریت هم موفق باشد و طرح‌هایی برای سازندگی ارائه می‌دهد که حتی اعجاب دشمنان را برمی‌انگیزد .

او به این نتیجه رسید که برای مبارزه با استعمار و استبداد نباید به مسجد و محراب و منبر کفایت کند، درس در حوزه کافی نیست، مبارزه در خیابان‌ها به آن شکل مؤثر نیست . باید مرکزی قانونی با پشتوانه‌ای شرعی و حمایت مردمی باشد تا او آن را به صورت پایگاهی نو علیه ستم (در شکل استعماری و استبدادی) درآورد و نیز ضمن این حرکت سیاسی به سازندگی هم فکر کند و استقلال واقعی مردم را آن‌چنان تامین کند که نیازی به اجانب نداشته باشند . مدرس با این تفکر به مجلس اقتدار داد و به آن حیات بخشید . شهید مدرس وقتی احساس کرد این پایگاه عظیم و قدرتمند را می‌تواند در آن روزگار آشفته پدید آورد به پیروی از سیره معصومین محیط فیزیکی و شرایط زندگی را عوض کرد و وطن مالوف را ترک نمود تا بتواند آنچه را در ذهن داشت از طریق مجلس شورا عملی سازد یا در جهت تحقق آن بکوشد .

فراست و فرزاندگی

شهید مدرس مجلس را بالاترین نهادی می‌دانست که می‌تواند در مصالح اجتماعی تصمیم بگیرد و به نمایندگان این نکته را گوشزد می‌نمود و تاکید می‌کرد باید در رای دادن به قوانین بسیار هوشیار و دقیق باشند زیرا با سرنوشت جامعه و کشور ارتباط دارد . علاوه بر آن که مجلس را درخصوص تصویب قوانین تشکیلات مهمی می‌دانست در کنترل رفتار عوامل اجرائی و حتی شخص رئیس الوزراء و انعقاد قرارداد با دول دیگر نیز چنین تصویری داشت .

در هنگام تصویب قوانین، مدرس با کسانی درگیر بود که آگاهی‌هایی از معارف دینی داشتند اما در اسارت افکار قدیمی بودند و نمی‌توانستند مقتضیات زمان و مصالح جامعه را درک کنند، اینان موانع بزرگی در مقابلش بودند که با اندیشه‌های منجمد و تحجر فکری و قدرتی که داشتند

به وسیله عواملی اثر منفی خود را بر امور مهم می گذاشتند و برخی مسایل حیاتی را خدشه دار می کردند . از دیدگاه مدرس احکام شریعت در قالب قانون تدوین می شوند به نحوی که مصالح جامعه و شرایط زمانی در نظر گرفته می شود . همچنین او موفق گردید در حد توان مصادیق احکام کلی اسلام را بیابد و با در نظر گرفتن شیوه اجرای آنها در جهت تصویبشان تلاش کند .

رعایت موازین شرع از نکاتی بود که آیه الله مدرس سخت به آن پای بند بود و در عملکرد وی نیز چنین نکته ای قابل مشاهده است . فرزاندی او در حدی است که جامعه را برای اجرای احکام اولیه و اولویت دادن به آنها مهیا کرد و برای از بین بردن موانع آن تلاش نمود . تحولات اجتماعی و مصادیق عرفی نیز از نظرش دور نبود . از دوران قاجاریه که به دلیل ارتباط با اروپا صف بندی ها و تقابل هایی بین دیانت و سیاست و ایرانی و اسلامی و نیز متجدد و متقدم پدید آمد عوارض زیانباری را متوجه جامعه کرد . عده ای کوشیدند مفاهیم مذکور را به صورت خصومت آمیز و نفرت انگیز در مقابل هم قرار دهند و از همین طریق به مصالح اسلامی و انسجام جامعه خسران وارد کردند اما شهید مدرس ضمن آن که احکام شرعی و موازین دینی را چون سرچشمه ای حیات بخش برای سعادت جامعه لازم می دید سعی می کرد از تعارض بین این مفاهیم بکاهد و ارتباطی بین آنان ایجاد کند و نشان بدهد که سیاست از متن دیانت برمی خیزد و روی آوردن به زندگی جدید با التزام عملی به دستورات دین مبین اسلام منافاتی ندارد و دوست داشتن وطن و علاقه به حفظ آب و خاک با گرایش های دینی نه تنها در تباین نیست بلکه می تواند ارتباط هم داشته باشد . احترام به زبان فارسی و سنت هایی که در میان اقوام و جوامع دیده می شود تا جائی که دستورات دینی را کم رنگ نکند و ارزشهای معنوی را تحت تاثیر قرار ندهد امر ممدوحی می باشد . خودش می گوید در نجف فکر می کردم چرا ممالک اسلامی رو به ضعف رفته و طریق انحطاط را طی می کنند بعد از چندین روز فهمیدم که مسایل سیاسی را از باورهای دینی تفکیک کرده اند و افراد متدین از اینکه به جرگه های سیاسی وارد شوند احتراز می کنند ناچار اشخاصی امور مزبور را در اختیار می گیرند که اعتقاد درستی ندارند و به مصالح جامعه هم فکر نمی کنند و از این جهت کشورشان از رشد، شکوفایی و اعتلا باز می ماند بعد مدرس می افزاید که با اساتید بزرگ خود این موضوع را مطرح کردم که چنین اختلافی از میان برداشته شود و هر کس مؤمن تر می باشد و نسبت به دیگران فرد امینی است به سیاست کشور خدمت کند . (7) در پایان، این نکته جالب را مطرح می کند: « . . . من و امثال من و بزرگتر از من که مشروطه را تصدیق کردیم برای این بود که یک اختلافی از بین برداشته شود . این معنی ندارد که دولت و ملت، سیاست و دیانت دو تا باشد . پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) که مؤسس دیانت بود . رئیس سیاست بود . از آن وقت که اختلاف پیدا شد ممالک اسلام رو به ضعف رفت . . . » (8)

شهید مدرس به مبانی فقهی قوانین توجه داشت ولی می خواست نمایندگان را که اکثرا با این

مباحث آشنا نبودند، آشنایی دهد و براساس این مسئله موضع گیری های بسیار جالبی در مجلس داشت و اصولاً او به عنوان یک فقیه به نظام امامت معتقد بود و منتظر فرصتی بود تا این نظر را به نحوی اعمال کند و به همین دلیل مبارزه را از درون تشکیلات آغاز کرد تا حداقل از این طریق به عنوان یک اهرم کنترل نظام را از انحراف مصون نگه دارد. در واقع او به این باور رسیده بود که در اسلام یک حکومت مشروع داریم که دیانت و سیاست در آن یکی است و باید برای استقرار آن کوشید. تفکر آن شهید این بود که اسلام برای اداره جامعه قوانین لازم را دارد و باید مصادیق آنها را یافت و این اندیشه اش با آینده نگری، فکری جامع، زمان نگر و رعایت مصالح مردم توأم بود.

این که شخصیت مدرس خورشید درخشانی چون امام خمینی را تحت تاثیر قرار داده جامعیت اوست و این که در آن شرایط آشفته و اختناق شدید که از یک سوق قحطی کشور را تهدید می کند و از سوی دیگر بیگانگان بر آن یورش آورده اند و در نظام حکومتی هم ثبات برقرار نمی باشد شخصی در صحنه سیاست بیاید و با اعراض از دنیا به فکر عمران فرهنگی و اجتماعی باشد و با تعقل، بصیرت و درک عالی در این راه قدم نهد و خطر تهاجم فرهنگی را بفهمد و قبل از آن که خطرات و تهدیدهایی برای کشور رخ دهد از روی قرائن و نشانه ها زودتر از دیگران متوجه شود که برای کشور اسلامی و ملت ایران چه نقشه های مخربی را تدارک می بینند امر مهمی است مدرس چون به خداوند توکل دارد و متکی به حمایت مردم مسلمان است از هیچ چیزی واهمه ندارد و با شجاعت پیش می رود و بیمی به دل راه نمی دهد. سعی می کند با اتکا به تقوا و علمی که کسب کرده از موارد موجود در احکام شریعت براساس مصلحت جامعه، قانونی را تدوین کند.

او در جنبه زندگی شخصی و استفاده از امکانات دنیایی کاملاً استقلال داشت و خود کفایی رویه اش بود و در برابر عواملی که سیاست سالم کشور را مورد خدشه قرار دادند و نیز فشارهای داخلی و خارجی استقلال خویش را حفظ نمود، در جایگاه قانونگذاری نیز مستقل بود و قدمی فراتر از شریعت و موازین دینی نگذاشت و با پارسایی، پایداری و فرزاندگی احکام قرآنی، روایی و فقهی را در قالب قوانینی که ابعاد گوناگون مصالح جامعه را تأمین کند و آنان را به سوی سعادت، امنیت و استقلال و بازگشت به هویت راستین و اصیل رهنمون سازد ارائه داد و کوشید تا آنچه تصویب می شود مطابق شریعت باشد و عوارض سویی برای جامعه در بر نداشته باشد او برای رسیدن به این مقصد والا و منظور عالی در برابر عواملی که با شریعت در ستیز بودند یا مصالح فردی را بر مصالح عموم ترجیح می دهند به مبارزه برخاست. نکته دیگر این بود که مدرس در برزخ عرصه بازمانده از سنت گذشته و دنیای در حال توسعه قرار گرفته بود او با ایمان قوی و درایت ژرف بین این دو حالت پلی ایجاد نمود و راهی منطقی یافت که هم ارزشها را حفظ کند و هم به پیشرفت جامعه و رشد علمی و فرهنگی و رونق اقتصادی آسیب وارد نکند. از دیدگاه

مدرس احکام اصیل اسلامی و موازین مسلم از قرآن و عترت با پیشرفت و شکوفایی جامعه تعارض ندارد اما آن گرایش های قومی، قبیله ای و طایفه ای و نیز برخی سنت های فرقه ای و نیز سلیقه های افراد خاص که در طول تاریخ به جای موازین اسلام ناب نشسته اند و در هاله ای از تقدس فرو رفته اند و توسط متحجرین صیانت می شوند نه تنها با اعتلای جوامع روی خوشی ندارند بلکه با باورهای اصیل نیز در تضاحند . مدرس تلاش کرد آن مروارید گرانبهای شریعت را از این سنت های موهوم و کهنه و دور از خرد و منطق جدا سازد و بر حسب مقتضیات زمان به جامعه معرفی کند . این مجتهد ژرف نگر ضمن آن که فقیه عالی مقامی می باشد و مقامات علمیش مورد تایید مراجع وقت و اساتید مشهور فقه می باشد در عین حال با فراستی که دارد حتی از زمان هم جلوتر است .

آذرخشی در بیابان ناامنی

گرچه آیه الله مدرس تا قبل از آمدن به تهران موقعیت اجتماعی والایی داشت اما مهمترین حادثه دوران حیات او را باید قبول پیشنهاد علما به عنوان طراز اول و حضور در مجلس شورای ملی دانست و در حقیقت افتتاح دوره دوم مجلس مزبور گشایش میدان مبارزه پارلمانی این شهید است و اگر او به چنین جایگاهی وارد نشده بود شاید چهره ارزشمندی را که ما به عنوان مدرس می شناسیم تا بدین حد در خور توجه و تکریم نبود . افراد حاضر در مجلس وقتی با چهره وی روبرو شدند فکر کردند او یک روحانی عادی است و گرچه تلاشهای سیاسی وی را در اصفهان کمابیش شنیده بودند ولی نمی توانستند بپذیرند که این سید لاغراندام با پیراهنی ساده و لباس کرباسی بتواند لیاقت ها و توانایی های شگرف خود را در مصاف با استکبار و استبداد و موانع رشد و توسعه معنوی مردم این گونه به نمایش بگذارد و تمامی عوامل قدرت را به هراس و وحشت افکند .

گرچه اولین جلسه رسمی دوره دوم مجلس روز سه شنبه دوم ذیقعه سال 1328 ه . ق با حضور 62 نفر از نمایندگان تشکیل شد اما شهید مدرس پس از 194 جلسه در تاریخ 28 ذیحجه الحرام 1328 ه . ق در مجلس حضور یافت و رئیس مجلس در جلسه 195 گفت: خدمت آقای مدرس با کمال مسرت به جهت ورودشان به مجلس شورای ملی عرض تبریک می گویم و دعوت می کنم به موجب قانون اساسی مراسم قسم را به عمل بیاورند . مدرس در جواب گفت: بنده هم تشکر می کنم و حاضر هستم و به محفل نطق آمد و مطابق صورت قسم نامه اصل یازده قانون اساسی قسم یاد نموده، ورقه قسمنامه را امضا نمود .

نخستین بار که شهید مدرس به ایراد نطق پرداخت روز شنبه 19 محرم الحرام سال 1329 ه . ق در جلسه دویستم مجلس بود . اولین نطق او با این جمله آغاز شد! عاقل تا بصیرت پیدا نکند سخن نمی گوید . (9)

ورود شهید مدرس به مجلس دوم مصادف با حوادثی بود که بر امنیت و مصالح ایران تاثیر منفی

می نهاد احمد شاه قاجار به جای پدر مستبد خود بر تخت شاهی تکیه زده و خود را در حلقه‌هایی رنگارنگ از ارتجاع و سرسپردگی به بیگانگان و تجدد و فرنگی مآبی گرفتار کرده بود، کابینه‌ها یکی پس از دیگری می‌آمدند، یکی طرفدار روس بود و دیگری هواخواه انگلیس، اولی را استعمار انگلستان برمی‌انداخت و بساط دومی توسط روسها در هم پیچیده می‌شد و در این میان مردم لطمات و صدمات سختی را متحمل می‌شدند و فریادشان به جایی نمی‌رسید، مجلس تنها نشان وجود قانون در کشور بود، که رجال گوناگون که هر کدام خیالی را در سر پرورش می‌دادند، در آن اجتماع نموده بودند، ترکیب آنان شامل گروه معتدل، جماعت دموکرات و طایفه مردد و اهل حزب باد بودند که به مناسبتی به یکی از دو گروه یاد شده می‌پیوستند و اینها نیز در پشت پرده نیز با جایی مرتبط یا به قدرتی وابسته بودند و از سفارتخانه‌های گوناگون مستقر در تهران برنامه می‌گرفتند. شهید مدرس همانگونه که خودش خاطر نشان نموده همه این مسایل را دریافت و فهمید که باید با این افراد با نگرش عمیق و دید بالایی سیاسی سخن گفت و کسوت ساده اندیشی را به دور انداخت و با فراست و هوشیاری به میدان سیاست پا نهاد. (10)

تا چندین ماه مدرس با نظری دقیق به مطالعه وضع عمومی و سکوت گذرانید و نمایندگان فکر کردند این مجتهد کم حرف و آرام برایشان خطری ندارد و در راه رسیدن به مقاصد پستشان از ناحیه او مانعی ایجاد نخواهد شد. سرانجام مدرس پس از چند ماه، سکوت را شکست و به زودی او را شناختند و از وی حساب بردند. زیرا در مباحثه و استدلال کسی حریفش نمی‌شد و در مدت کوتاهی مدرس اقتدار معنوی و سیاسی خود را به دست آورد و شخصیت بارز خود را با شجاعت ذاتی به ظهور رسانید.

از جمله مصوبات مجلس در آن زمان استخدام مورگان شوستر امریکایی برای نظم بخشیدن به امور اقتصادی ایران بود که وضع آشفته و نگران کننده‌ای داشت. در این وقت آمریکا آن روح سلطه جویی کنونی را نداشت و شوستر هم خیلی خوب کار کرد و در اخذ مالیات‌های به تعویق افتاده سخت از خود پافشاری نشان داد و حتی در پی ضبط اموال برادر شاه مخلوع یعنی شعاع السلطنه برآمد، این برنامه بهانه‌ای به دست روس‌ها داد که مخالفت خود با حضور مورگان شوستر را علنی و عملی سازند و بلافاصله روسیه از دولت ایران خواست نامبرده را از سرزمین خود خارج کند و چون جوابی نشنید اولتیماتومی چهل و هشت ساعته به ایران داد. دولت وقت از مجلس برای عملی ساختن نظر دولت روس درخواست اختیار نمود. در مجلس دونفر بیش از همه در مقابل تهدید روس‌ها مقاومت کردند. شهید خیابانی و آیه الله مدرس. (11) پس از نطق شدید این دو بزرگوار و مخالفت مردم، دولت موفق نشد برای پاسخ دادن به روس‌ها تصمیمی اتخاذ کند و مهاجمین روس از اقتدار مجلس نگران شدند و مخالفت خویش را چنین اظهار کردند: «مسیو نراتوف جانشین وزیر خارجه روس با مستر اوبرون نماینده سیاسی انگلیس در پترزبورگ در باره کارهای ایران گفتگو کرده و از نیرومندی مجلس شورای ایران و بیداری

کارهای سیاسی رنجیدگی نموده، می گفت باید مجلس انجمنی باشد که به کار قانونگذاری بپردازد (از سیاست برحذر باشد) و نیز می گفت: باید مجلس سنا باز نمود. اختیار نایب السلطنه (ناصر الملک) را باید بیشتر گردانید. فریاد این دو روحانی به مجلس جان داد و تمامی نمایندگان به جز یازده نفر با اولتیماتوم مخالفت کردند و قرار شد کمیسیونی منتخب از نمایندگان تشکیل شود که متأسفانه به گونه ای انتخاب شدند که اکثر برگزیدگان حامی روس و انگلیس بودند. ناصرالملک وقتی این وضع را مشاهده کرد در روز سوم دی ماه سال 1290 ه. ش (سوم محرم سال 1330 ه. ق) دستور انحلال مجلس را صادر نمود و اولتیماتوم را پذیرفت و شوستر ایران را ترک نمود. (12)

دعوت به وحدت

در ایام تعطیلی مجلس تمام وقت مدرس با تدریس در مدرسه سپهسالار سپری شد و در همین زمان تفسیری از قرآن مجید تهیه نمود.

مجلس دوم اگر چه برای آن مجتهد والامقام عمر کوتاهی داشت ولی مدرس در همین دوران نیز تلاشهای شایسته ای را انجام داد در شعبان سال 1329 ه. ق اصول تشکیلات عدلیه و محاضر شرعیه و صلحیه را که توسط مقامات قضایی کشور تهیه شده بود پس از ملاحظه و تطبیق با شرع تأیید و تصدیق می کند. (13)

در همان دوره عضو کمیسیون برنامه و بودجه شد و دقت زیادی روی مسایل مالی داشت و می گفت در لایحه بودجه ارسالی به مجلس در صورتی که یک دینار بده و نپرس وجود داشته باشد و از محل خرچ آن مطلع نباشیم امکان ندارد تصویب کنیم، او معتقد بود استقراض خارجی کار درستی نمی باشد و کشور باید خود را بدون دست دراز کردن به سوی اجانب تامين کند، هر گونه انعقاد قرارداد با خارجی ها را بدون تصویب مجلس غیر قانونی می دانست. به نمایندگان توصیه می نمود عایدات و درآمدها را زیاد کنید و از بالارفتن هزینه ها احتراز نمایید. (14) با بررسی صورت جلسات مجلس دوم شورای ملی مشخص می گردد که مدرس در حدود 56 جلسه به ایراد سخن، اظهار نظرات و یادآوری برخی نکات مبادرت نموده است.

در جلسه ای از این که نمایندگان بدون تعمق و نگرش همه جانبه به تصویب قانونی اقدام می کنند گلایه می نماید و می گوید: «خوب است در مطلب قانونی مذاقه و تامل شود برای این که جعل قانونی که می شود برای یک مملکتی می شود.» آنگاه در اعتراض به تصویب سریع مصوبات آن هم بدون دقت در مواد آن می افزاید: «به بعضی موضوعات اطلاع کامل نداشتن و در عرض پنج دقیقه هی برخاستن و نشستن این طریق وضع قانون مملکت نیست باید اطرافش را تامل کرد و بی دلیل رای نداد.» این بیانات نشانگر آن است که مدرس با آن درایت و هوشیاری که دارد از بی دقتی نمایندگان در به تصویب رسانیدن قوانینی که با حیات کشور و مردمانش ارتباط دارد نگران است. (15)

مدرس به عنوان یک مجتهد طراز اول در فرصت های مقتضی جامعه و نمایندگان آنان را به پرهیز از تفرقه و دسته بندی های سیاسی و باندبازی دعوت می کند و اجتماع و خصوصاً نخبگان و خواص را به وحدت اصولی فرا می خواند، البته او در لسان و گفتار این گونه نبود بلکه در طی حیات پربار فکری سیاسی خود و در عرصه عمل سخت پای بند مسایل مذکور بود، در جلسه 202 حفظ کشور را از هر گونه آشفتگی، ناامنی منوط بر اتحاد افراد جامعه دانست و تاکید نمود منظور از این وحدت آن نیست که اهل فکر و نظر از اظهارات خویش دست بردارند و همه سلیقه ها یکی شود: «البته جماعتی از عقلا سلیقه شان در مطالب مختلف است اما در غرض یکی است باید حفظ آن مرتبه را کرد.» در ادامه حاضران در مجلس شورای ملی را از اغراض شخصی و تمایلات نفسانی پرهیز داده و می گوید: «شان وکلا . . . اجل از این است که از روی غرض و خدا نخواستہ از روی عمد اقدامی که موجب ضعف و سستی این اساس (وحدت) باشد بکنند» و از نمایندگان می خواهد با نهایت اخوت از اختلاف دست بردارند و این گونه نباشد که بر اثر پرداختن به امور جزئی و غیرمهم از مقصد اصلی که برای افزایش عزت و عظمت مسلمانان است دست بردارند . (16) در جلسه 309 نیز هر عملی را که موجب تجزیه نیروها و تفرقه میان آحاد ملت شود مورد ملامت قرار داد و از نامگذاری هایی که جامعه را شعبه شعبه می نماید به عنوان عوامل بازدارنده اتحاد جامعه سخن گفت .

در جلسه 217 مدرس اعزام محصلین را به خارج برای فراگیری دانش مورد نیاز کشور تجربه مفیدی ندانست و به دفاع از آوردن معلمان و استادان خارجی به ایران برای آموزش دادن دانش رایج به جوانان شد .

«در این مدت عمری که داشته ایم خیلی شاگردها رفتند به اروپا و خیلی از پول های این مملکت را در آن جا خرج کرده اند لکن نقص مملکت ما کم نشده است باید نحوی کرد که . . . علم را به مملکت خودمان بیاوریم . . . اگر ممکن نشود که معلم بیاوریم باید شاگرد برای معلمی فرستاد . . .» (17)

در زمان ریاست وزرایی علاء السلطنه که ایران مجلس شورای ملی نداشت دولت تصمیم گرفت که انتخابات مجلس سوم را برای مدت سه ماه به تعویق اندازد و چون به عقب انداختن انتخابات به تصویب مجلس وابسته بود دولت از میان برخی نمایندگان دوره اول و دوم و عده ای رجال مورد تایید خود «مجلس مشاوره عالی» تشکیل داد تا تصمیم خود را اعلام کند و اجازه تعویق انتخابات را از این طریق بدست آورد . در این جلسه مدرس به شدت با این برنامه دولت به مبارزه برخاست و ضمن اعلام مخالفت با آن گفت:

«مجلس شورای ملی به هیچ وجه جزئاً و کلاً تعطیل بردار نیست و این مجلس مشاوره عالی هم نمی تواند تصمیم دولت را جایز بشمارد باید هر چه زودتر انتخاب شروع و زمام کشور به دست مجلس سوم سپرده شود .»

بدین ترتیب مجلس مشاوره عالی بدون اخذ نتیجه ای به هم خورد ولی دولت مستبدانه انتخابات را تا صفر سال 1331 ه. ق به تعویق انداخت. با این وجود نطق کوبنده مدرس و حملاتش به نایب السلطنه زبان به زبان گشت و هر کس آن را شنید به شهادت، شجاعت و صراحت لهجه این عالم والامقام آفرین گفت و نام و آوازه او آن چنان بر سر زبانها افتاد که مردم تهران تصمیم گرفتند وی را برای نمایندگی دوره سوم انتخاب کنند. (18)

پی نوشت ها:

1. اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطیت این بود: کلیه مصوبات مجلس باید مخالف با موازین اسلام نباشد و حضور 5 نفر از علمای طراز اول این مساله را تضمین می کند.
2. شهید مدرس ماه مجلس، از نگارنده، ص 89.
3. مدرس طراز اول علما، دکتر علی مدرسی، مجله مجلس و پژوهش، شماره مسلسل 5.
4. صحیفه نور، ج اول، ص 260 - 261 و نیز نک به همان مآخذ، ج 13، ص 187 - 188.
5. مدرس، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، ج اول، ص 33.
6. صحیفه نور، ج 16، ص 269.
7. مدرس، تاریخ و سیاست، گروهی از نویسندگان، ص 148.
8. مدرس در پنج دوره تقنینیه، ج اول، محمد ترکمان، ص 232.
9. مرد روزگاران، دکتر علی مدرسی، ص 63.
10. حکایت مرد تنها، حمید رضا شاه آبادی، ص 42.
11. تاریخ هیجده ساله آذربایجان، احمد کسروی، ص 488.
12. شهید مدرس ماه مجلس، ص 100 - 101.
13. آراء اندیشه ها و فلسفه سیاسی مدرس، محمد ترکمان، ص 19.
14. مدرس تاریخ و سیاست، ص 24 - 25.
15. مدرس در پنج دوره تقنینیه، محمد ترکمان، ج اول، ص 6 و 8.
16. مآخذ قبل، ص 10 - 11.
17. همان، ص 16 - 17.
18. شهید مدرس ماه مجلس، ص 102.

کلمات کلیدی

مدرس مجلس شهید مدرس شهید مدرس در سنگر مجلس اسلام روس قانون مجلس شورا ملی

